شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
۵شنبه
۲۵ مهر ۱۳۹۸
۱۸ صفر ۱۴۴۱
شماره ۲۹۵۰
۰۷

پلاک سرخ

شهید شوشتری انسانی عاقل و اهل احتیاط و دوراندیش بود. با آغاز جنگ تحمیلی، نیروهای زیادی از خراسان به جنوب رفتند که بیشترین آن‌ها را شهید رستمی فرماندهی می‌کرد. اولین عملیاتی که این نیروها در آن شرکت کردند، عملیات تصرف «ارتفاعات ا...اکبر» در شمال شهر بستان بود؛ عملیاتی که نیروهای خراسان در آن خوش درخشیدند. نیروهایی که در آن عملیات میدان مین را خنثی کردند و خط اول را شکستند، نیروهای پاسدار و بسیجی بودند و پاسداران خراسان همراه با شهید شوشتری در آن عملیات بسیار موفق عمل کردند.

عملیات‌هایی نظیر فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان و کربلای ۵ عملیات‌های دیگری است که شهید شوشتری در آن شرکت داشت. او در آن زمان هم فرمانده سردار قاآنی و هم فرمانده سردار قالیباف بود. او در عملیات‌های بزرگی مانند عملیات رمضان و کربلای ۵ حضور موفقی داشت. در عملیات کربلای ۵ در سال ۶۵ سپاه ۳ قرارگاه داشت و سردار شوشتری نیز جانشین قرارگاه نجف بود. در عملیات کربلای ۵ این قرارگاه بیشترین فعالیت را داشت و سردار محمدزاده هم که در کنار سردار شوشتری به شهادت رسید، در آن زمان فرمانده یکی از گردان‌ها بود. در آن عملیات که جزو پیچیده‌ترین و سخت‌ترین عملیات‌های دفاع مقدس بود، سردار شوشتری یک فرمانده تمام‌عیار به شمار می‌رفت. سردار شوشتری در اوج فشارهای دشمن هیچ‌گونه تزلزلی در تصمیم‌گیری نداشت. او در طول سال‌های دفاع مقدس ۷بار مجروح شد.

در عملیات والفجر ۳ که در مهران انجام شد، جنگ بسیار سختی برای آزادسازی مهران صورت گرفت. دشمن برای نگهداری یک تپه، مقاومت بسیاری از خود نشان می‌داد و سرهنگی به نام «جاسم» از نیروهای عراقی تلاش فراوانی برای حفظ این تپه از خود نشان می‌داد. شهید شوشتری همراه با یک دسته از نیروها، خودش را بالای تپه رساند و وارد سنگر دشمن شد، اما متوجه شد که مهماتش تمام شده است. در این هنگام، جنگ سرنیزه و تن به تن میان شهید شوشتری با سرهنگ جاسم (پسرخاله صدام) صورت گرفت و با کشته شدن سرهنگ جاسم، این تپه نیز آزاد شد و عملیات مهران با موفقیت به پایان رسید. سال ۶۷ بود که به دنبال شجاعت‌های فراوان در جبهه‌های جنوب، مأمور تشکیل قرارگاه شهید داوودآبادی در شمال‌غرب شد. این قرارگاه عملیات‌هایی را در شمال‌غرب، از ماموت گرفته تا والفجر ۱۰ را اجرا کرد. او پس از جنگ به عنوان جانشین شهید احمد کاظمی در نیروی سپاه انتخاب شد. پس از شهادت کاظمی، وقتی قرار شد شهید شوشتری به جنوب‌شرق برود، به‌خوبی توانست در سیستان‌وبلوچستان امنیت پایداری پدید آورد و سرانجام در صبح یکشنبه ۲۶مهر ۱۳۸۸ و در همایش وحدت اقوام و مذاهب سیستان‌وبلوچستان که با شرکت عشایر بلوچ در منطقه «پیشین» جریان داشت، در انفجاری انتحاری همراه با برخی از فرماندهان سپاه و عشایر بلوچستان به شهادت رسید.

مسیح بلوچستان

مرور زندگی سردار نورعلی شوشتری در دهمین سالگرد شهادتش

روزهای قبل از شهادت

نورعلی شوشتری حالات عجیبی داشت. گویا خودش نیز می‌دانست که بعد از شهید حاج احمد کاظمی، نوبت اوست. یک‌بار در گفت‌وگوی دوستانه‌ای گفته بود: «از خدا خواسته‌ام اینجا (بلوچستان) محل شهادتم شود و دلم گواهی می‌دهد که خداوند آرزوی مرا برآورده خواهد کرد. بعد از شهید حاج احمد کاظمی و دیگر یاران، من (نورعلی شوشتری) تنها شده‌ام و به همین خاطر انتظار شهادتم را می‌کشم. امیدوارم خداوند با شهادت من، مشکلات این منطقه و معضلات آن را حل کند.» قرار بود چند روز قبل از شهادت سردار شوشتری کنگره‌ای درباره شهدای خراسان برگزار شود. در یکی از این جلسات سردار شوشتری گفته بود: «چقدر خوب بود که ما هم شهید می‌شدیم تا در این کنگره نام ما هم کنار شهدا قرار می‌گرفت و جزو شهدای خراسان محسوب می‌شدیم.» طیبه درری سرولایتی، همسر شهید نورعلی شوشتری می‌گوید: «یک هفته مانده بود تا بازنشستگی. نورعلی شوشتری به بازنشستگی نرسید. خدا او را بازنشسته ابدی کرد. همه‌اش پاداش زحماتش بود. برای ایشان حیف بود که در بستر بمیرد. همیشه هم می‌گفت: هرچه کار خیر کرده‌ام، نصف آن‌ها مال شماست خانم! اگر شما و حمایت‌هایتان نبود، من نمی‌توانستم و به این درجه نمی‌رسیدم. یک هفته‌ای طول کشید تا پیکر شهید را از زاهدان به مشهد بیاورند. وقتی رویش را باز کردم، جراحات زیادی روی بدنش دیدم. همان‌جا از او خواستم دست مرا هم بگیرد و شفاعتم کند.» روحا... شوشتری، فرزند شهید نورعلی شوشتری، از پدرش چنین حکایت می‌کند: «حالات روحی پدرم بعد از رفتن شهید حاج احمد کاظمی بسیار تغییر کرده و خود را آماده شهادت کرده بود. گویا خود نیز می‌دانست که زود خواهد رفت. ایشان همیشه به ما توصیه‌های اخلاقی می‌کرد و تأکید زیادی بر انجام واجبات دینی داشت و از همه مهم‌تر بسیار بر پیروی از خط ولایت تأکید می‌کرد. او تنها پدر ما نبود، بلکه خود را وقف مردم کرده بود. دوازده، سیزده سال بود که فقط پنجشنبه و جمعه ایشان را می‌دیدیم و در دیگر روزهای هفته در نقاط مختلف کشور مشغول انجام مأموریت بود.»

* با الهام از اظهارت رهبر معظم انقلاب درباره شهید شوشتری: «بعد از جنگ خیلی‌ها به حاشیه رفتند، اما شهید شوشتری همچنان ماندند. هیچ‌کس برای من شهید شوشتری نمی‌شود.»

scan it

یادداشت

شهید شوشتری با «صلاح» ضد انقلاب را خلع «سلاح» کرد

ادامه از صفحه یک

... و شهادت می‌خواهندش اما نورعلی شوشتری، نه نقش بر آب، که نقش بر باد کرد آرزوی حرامیان را و با شهادت، چراغی افروخت که تا همیشه پرتوافشان خواهد ماند. باری، قامت کشیده داشت سردار. نه فقط از گوشت و پوست و استخوان. اتفاقا استخوان‌بندی فکری و معرفتی‌اش هزاربار رشیدتر بود تا قامتش. لذا می‌توانست شاخص باشد و نه فقط اشخاص که شخصیت‌ها را هم گرد خویش جمع می‌کرد. به خود دعوتشان نمی‌کرد، بلکه به خیر می‌خواندشان تا به رستگاری برسند مردمی که درعین استحقاق رستگاری و سعادت، سرنوشتشان به گرو نارستگاران شقاوت‌پیشه رفته است. سردار اما آمده بود تا از گرو به در آورد این گوهری نعمت را. جانش را هم به میان آورده بود برای این کار. آخر هم جانش را گذاشت تا بند از آن گرو برداشت. فکر می‌کنم اگر سردار شوشتری اهل داغ و درفش بود، نه با او کار داشتند و نه دستشان به او می‌رسید. همه هراسشان از این بود که شوشتری به هر مکان و هر قبیله‌ای که پا می‌گذارد، با سلوک نبوی و سیر «طبیب دوار بطبه»، به سلامت می‌رساندشان و دیوار فاصله‌ای را که بیگانگان ساخته‌اند، فرو می‌ریزد. آنان از سرداری که با سلاح بیاید نمی‌ترسند، چون به هزار حیله و لطایف‌الحیل می‌توانند با بسیج تفنگ‌ها با او به مقابله برخیزند. شوشتری چون با «صلاح» به میدان آمده بود، خود را دربرابرش خلع سلاح و دست خالی می‌دیدند؛ لذا جلیقه انتحاری پوشیدند تا مرد صلاح و اصلاح را از میان بردارند تا کسی نتواند پیروان آیین محمدی را در آن سامان با اصلاح ذات‌البین به اخوت، ارتقا دهد. نمی‌دانستند آنان که شهید با خون خود این مسیر را هموار می‌کند. نمی‌فهمیدند که شهید نمی‌میرد، بلکه «حی» می‌شود و «حی علی خیرالعمل» می‌خواند پس از آنکه با «حی علی‌الصلاه» به نماز وحدت خوانده باشد مردمان نجیب آن سامان را، اما آنان با همه دنائت خویش، با اتمام جنایت، جسم سردار شوشتری و محمدزاده و بزرگان آن دیار را گرفتند اما جانشان کیمیایی شد که کودک‌ها را هم بزرگی می‌بخشد و زمین را از زیر پای اصحاب تکفیر می‌کشد و طهارت می‌دهد از لوث وجودشان. آری، به برکت شهادت وحدت‌آفرین، عرصه بر تکفیریان تروریست تنگ می‌شود و فضا برای برادری پیروان محمد(ص) توسعه می‌یابد و این همه به برکت خون شهید است.

گزارش

در دسرهای محله اطبا

روایتی از کلاف سردرگم تجمع نابسامان مطب‌های پزشکان درخیابان احمدآباد که زائر و مجاور را کلافه کرده است

مسعود سلطانی

هیاهوی خیابان عارف، پرستار، محتشمی و... اهالی مشهد را به ستوه آورده است. حتی افرادی که از دیگر شهرها به قصد درمان و زیارت به مشهد می‌آیند و در کوچه پس کوچه‌های این محدوده حیران و سرگردان می‌شوند بارها و بارها بهانه‌ای شدند تا رسانه‌ها به نابسامانی این محدوده بپردازند. بیمارانی که هربار سوژه ما شدند، کسانی هستند که گاهی حتی حق استفاده از سرویس بهداشتی مطب‌های لاکچری پزشکان را ندارند!

سؤال اینجاست که چه کسی به پزشکان اجازه داده است تا در ساختمان مسکونی مطب تأسیس کنند و بعد از گذشت چندسال ماهیت چند محله شهر را تغییر دهند و برای ساکنان آن دردسر بسازند؟ پاسخ کوتاه است؛ قانونی که ۶۴سال پیش تصویب شد!

عکس: مهدیه غفوریان | شهرآرا

قانون شهرداری، مبنای امتیاز

تبصره بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ قدیمی‌ترین مستند قانونی است که مطب پزشکان را محل کسب و پیشه یا تجارت نمی‌داند و اجازه می‌دهد در محل‌هایی که پروانه غیرتجاری دارند نیز مطب پزشکی دایر شود. در این تبصره درباره دایر کردن مطب تأکید شده است: «دایر کردن دفتر وکالت، مطب، دفتر اسناد رسمی، ازدواج و طلاق، دفتر روزنامه و مجله و دفتر مهندسی توسط مالک از نظر این قانون استفاده تجاری محسوب نمی‌شود».

این در حالی است که رسانه‌ها از امتیاز قانونی پزشکان برای استفاده از ساختمان‌های مسکونی بارها و بارها انتقاد کرده‌اند. مجلس شورای اسلامی نیز یک‌بار برای تغییر این قانون دورخیز کرد. در سال ۱۳۹۳ تبصره‌ای برای تصویب و الحاق به قانون محل مطب پزشکان تدوین شد تا به وسیله آن، حقوق تمامی ساکنان مجتمع‌های مسکونی رعایت شود. در آن تبصره آمده بود: «پزشکان یا صاحبان حرفه‌های وابسته مذکور موظف‌اند با رعایت ضوابط طرح جامع شهری رضایت تمامی ساکنان مجتمع خود را کسب کنند.» اما این طرح در مجلس نهم به نتیجه نرسید و تصویب نشد!

مصوبه شورای شهر ۲بار ابطال شد

سال ۱۳۸۵ هم شورای اسلامی شهر مشهد لایحه‌ای را تصویب کرد که در بخشی از آن آمده بود: «درصورت عدم سکونت پزشک در محل فعالیت خود، واحد مذکور به لحاظ ضوابط شهرسازی به‌عنوان استفاده بهداشتی، درمانی محسوب و بابت تغییر بهره‌برداری و صدور مجوز، حقوق شهرداری بر مبنای بهره‌برداری بهداشتی، درمانی محاسبه و اخذ شود.» اما دیوان عدالت اداری مصوبه شورای شهر مشهد را ابطال کرد. در واقع دیوان با استناد به همان قانون ۶۴سال پیش و نیز قانون محل مطب پزشکان مصوب سال ۱۳۶۶ چنین کاری را انجام داد.

اکنون نیز بعد از گذشت ۱۴سال از ابطال مصوبه شورای شهر دوم مشهد، بار دیگر دیوان عدالت اداری مصوبه شورای شهر پنجم را درباره گرفتن جریمه از مطب‌هایی که موجب ترافیک می‌شوند، ابطال کرد. معاون عمران، حمل‌ونقل و ترافیک شهردار مشهد نیز بعد از اعلام این خبر به فارس گفته بود: جریمه سنگینی که برای پزشکان متخلف در نظر گرفته بودیم، به این دلیل بود که از طرفی اثر بازدارندگی داشته باشد و از سوی دیگر برای احداث پارکینگ و زیرساخت‌هایی از این قبیل هزینه شود تا مراجعان و مردم آن منطقه کمتر دچار زحمت شوند.

خلیل ا... کاظمی چاره کار را در همکاری نظام‌پزشکی مشهد دانسته و تصریح کرده بود: نظام‌پزشکی باید محدودیتی برای صدور پروانه مطب در منطقه پرترافیک شهر مانند خیابان‌های عارف، پرستار و محتشمی در نظر بگیرد تا از گسترش بیشتر این مشکل جلوگیری شود.

لابی پزشکان، مانع اصلاح قانون

استاد گروه حقوق دانشگاه فردوسی معتقد است که چاره کار در پایتخت است و قانون اصلی باید اصلاح شود. او در این‌باره به شهرآرا می‌گوید: در قانون، تعریف املاک مسکونی مشخص است. ملک مسکونی میزان رفت‌وآمد مشخص و پارکینگ تعریف‌شده‌ای دارد. دایر شدن مطب پزشک‌ها در کاربری مسکونی موجب ناراحتی سایر ساکنان می‌شود؛ چون شخص پزشک در همان محله پرترافیک مثل خیابان پرستار زندگی نمی‌کند.

غلامرضا خواجی که عضو دوره سوم شورای شهر مشهد بوده است، ادامه می‌دهد: دایر شدن مطب در کاربری مسکونی در حقیقت خلاف فلسفه وضع قانون برای تقسیم‌بندی انواع کاربری است. قانونی که برای پزشک‌ها استثنا قائل شده، مربوط به ۶۴سال پیش است و باید اصلاح شود. اگر قرار باشد در این‌باره قانون تازه‌ای نوشته شود، تردید نکنید که به پزشکان چنین اجازه‌ای داده نمی‌شود. وی با اشاره به ابطال مصوبه شورای شهر دوم درباره لزوم تغییر کاربری مطب پزشکان و تکرار این ماجرا در شورای شهر پنجم نیز می‌گوید: بدون تردید لابی حقوقی پزشک‌ها برای ابطال این قوانین تأثیرگذار بوده است. لابی آن‌ها و کارشناسانی که استخدام می‌کنند، باعث می‌شود بتوانند چنین رأی‌هایی را از دیوان عدالت اداری بگیرند. این در حالی است که مردم چنین قدرتی را ندارند و نمی‌توانند به دیوان عدالت اداری شکایت ببرند.

این استاد دانشگاه ادامه می‌دهد: معتقدم اگر شهرداری به‌صورت منسجم روی این موضوع کار حقوقی انجام دهد و طرح خود را از طریق شورای عالی استان‌ها به مجلس شورای اسلامی ارائه کند، در این زمینه به نتیجه خواهد رسید. علاوه بر این، درخواست از هیئت دولت نیز می‌تواند مؤثر باشد. چون دیوان عدالت اداری نمی‌تواند رأی هیئت وزیران یا مجلس شورای اسلامی را ابطال کند.

ابطال تسهیلات طبابت در ساختمان مسکونی

بررسی‌های شهرآرا نشان می‌دهد که اکنون شورای عالی استان‌ها با استناد به کاهش درآمدهای شهرداری و لزوم به‌روزرسانی قانون بر اساس مقتضیات زمان، طرح تغییر در قانون مصوب سال ۱۳۳۴ را به مجلس شورای اسلامی ارائه کرده است. در این طرح پیشنهاد شده است که تسهیلات ارائه‌شده برای استفاده از اماکن مسکونی برای فعالیت مطب پزشکان و حِرف وابسته، دفاتر اسناد، مطبوعات، وکالت و مهندسی ابطال شود. گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز درباره این طرح جنبه موافقت دارد و فقط اصلاحاتی را برای این قانون پیشنهاد کرده است. به عنوان مثال در نتیجه‌گیری گزارش مرکز پژوهش‌ها که اسفند سال ۹۷ درباره طرح پیشنهادی شورای عالی استان‌ها منتشر شد، آمده است: «با توجه به عدم دسترسی یکسان به خدمات درمانی، حقوقی، اجتماعی و... به لحاظ تفاوت‌های توسعه‌یافتگی مناطق و محرومیت‌ها بین استان‌ها، شهرها و حتی محلات درون شهر و همچنین ارائه راه‌حلی به‌منظور تفکیک و رده‌بندی چنین مواردی و قائل شدن استثناهایی در الزام به رعایت قانون به‌منظور فراهم کردن تسهیلات ارائه خدمات به مناطق کمتربرخوردار و حاشیه‌ای درصورت تصویب این طرح ضروری است».

نمی‌توانیم پروانه ندهیم

با وجود تمامی این انتقادات اما رئیس سازمان نظام پزشکی مشهدبه شهرآرا می‌گوید: پزشکان هم از این منطقه و این همه تراکم و ترافیک راضی نیستند. بدون شک حضور پزشکان در منطقه‌ای آرام‌تر، با ترافیک کمتر و نیز منطقه‌ای ارزان‌تر، برای خود آن‌ها نیز مناسب‌تر است.

علی بیرجندی‌نژاد ادامه می‌دهد: اگر نظام پزشکی یا هر سازمان دیگری بخواهد برای این محل پروانه صادر نکند، باید به فکر این باشد که محل‌های جدید با زیرساخت مناسب را فراهم کند. قطعا اگر این کار را نکند، باید جواب‌گوی دردسرهای جدیدی باشد که برای مردم ایجاد می‌شود.

او همچنین تأکید می‌کند: این تجمع، تجمع مطب پزشکان در یک محل نیست؛ بلکه تجمع پزشکان متخصص و فوق‌تخصص است که طی سالیان متمادی یعنی نزدیک به یک قرن شکل گرفته است.

رئیس سازمان نظام پزشکی ادامه می‌دهد: علت تمرکز پزشکان در اینجا، وجود ۲ بیمارستان بزرگ آموزشی امام‌رضا(ع) و قائم(عج) و چند بیمارستان دیگر از جمله بیمارستان بنت‌الهدی، بیمارستان ارتش و بیمارستان‌های امید، مهر و هفده‌شهریور در این منطقه و اطراف آن است. این امکانات و زیرساخت‌های درمانی و بیمارستانی، دلیل و ضرورتی برای حضور و طبابت تخصصی و فوق تخصصی است.

ممنوعیت استفاده از سرویس بهداشتی برای بیماران!

گزارش میدانی شهرآرا نشان می‌دهد نارضایتی مردمی از تغییر بافت خیابان‌های پرستار، عارف، محتشمی و... بسیار عمیق است. علی قبادی، شهروندی است که ۸سال ساکن احمدآباد است. در میانه روز وقتی وارد مغازه او می‌شویم و از مشکلات محل کار و زندگی‌اش می‌پرسیم، آهی می‌کشد و می‌گوید: دیگر چقدر مشکلاتمان را به نخ بکشیم و دست خبرنگاران بدهیم؟! یک‌ماه پیش از صداوسیما آمدند و از دردسرهایی که مطب پزشکان به وجود آورده‌است، تصویربرداری کردند. این شهروند مشهدی که به طور دقیقی با خواسته‌های بیماران آشناست، می‌گوید: متأسفانه برخی پزشکان این محدوده فقط به پول ویزیتی که از این بندگان خدا می‌گیرند، فکر می‌کنند. بیشترشان حتی حاضر نیستند سرویس بهداشتی مطبشان را در اختیار بیماران بگذارند و مراجعان اجازه استفاده از آن را ندارند. متأسفانه بارها دیده‌ام که زنان باردار و بیماران بدحال، چطور به سختی می‌افتند تا ویزیت شوند و از این محدوده شلوغ خارج شوند. او ادامه می‌دهد: تعداد زیادی از کسانی که برای درمان به خیابان پرستار و عارف می‌آیند شهرستانی هستند؛ یعنی در این شهر بزرگ، خانه و سرپناهی ندارند. تنها امکاناتشان یک خودرو شخصی است، اما بارها دیده‌ام که به آن‌ها در بعضی مطب‌ها اجازه استفاده از سرویس بهداشتی داده نشده است.

نزاع‌های همیشگی

چند مشتری داخل داروخانه هستند و در قسمت محصولات آرایشی بهداشتی ایستاده‌اند. یکی از آن‌ها می‌گوید: ما چند خیابان آن طرف‌تر و در نزدیکی خیابان پرستار زندگی می‌کنیم. در خیابان‌های پشت کلینیک بیمارستان قائم(عج)، روزی نیست که نزاع و دعوا نبینیم. درگیری‌ها بر سر پارکینگ حتی به زد و خورد و ناسزا گفتن هم می‌رسد. پزشک داروخانه نیز می‌گوید: من جزو موافقان طرح متمرکز شدن مطب‌ها و داروخانه‌ها هستم. علیرضا یارمحمدی ادامه می‌دهد: ۴سال است در احمدآباد داروخانه دارم و تقریبا در همه بعدازظهرها برای جای پارک ماشینم سرگردان هستم. اینجا گنجایش این تعداد مطب و داروخانه را ندارد؛ به‌ویژه که قانون وجود فاصله مشخص برای داروخانه‌ها را لغو کردند.

پارکینگ محدود، فقط برای پزشکان

در میانه‌های عارف ۶ چند کوچه بن‌بست وجود دارد. راننده یک تاکسی، در حالی که منتظر مسافرش ایستاده تا از مطب دکتر بیرون بیاید، می‌گوید: من به اقتضای شغلم در این محدوده زیاد تردد می‌کنم. بعضی وقت‌ها به‌ویژه بعدازظهرها آن‌قدر تردد خودروها در خیابان‌های پرستار و عارف زیاد است که این محدوده قفل می‌شود. بیمارانی که از شهرستان می‌آیند با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ وقتی در مسیر، گلایه‌های بیماران را می‌شنوم، شرمنده می‌شوم.

آقای شهناز با اشاره به شلوغی خیابان‌های پرستار و عارف و محتشمی، می‌گوید: نبود پارکینگ در این محدوده به‌دلیل جریمه‌هایی است که در ازای ساخت پشت پیلوت به مالکان تعلق می‌گیرد. مساحت بیشتر زمین‌های اینجا ۳۶۰ و ۵۰۰ و هزار متر است، اما بیشتر از ۵۰درصد ملک‌ها ۳۶۰متر مربعی است. مالکان هم فقط جای پارک برای چند خودرو را در نظر می‌گیرند و بقیه را با پرداخت جریمه به شهرداری به مطب تبدیل می‌کنند.

بهشتِ «پرستار» برای پزشکان

یکی از شهروندان، موضوع رضایت پزشکان از حضور در خیابان پرستار را طور دیگری شرح می‌دهد: پزشکان از حضور در این منطقه صددرصد راضی هستند برای اینکه بیماران از کل ۳استان خراسان‌شمالی و رضوی و جنوبی و حتی سیستان‌وبلوچستان و دیگر نقاط ایران به اینجا می‌آیند و منافع حاصل از حضورشان به جیب پزشکان می‌رود. حال شاید خیلی هم اهمیت نداشته باشد که شهروندان سردرگم شوند و برای آن‌ها مشکلات و مزاحمت ایجاد شود.